

## اولویت ها تا قبل از سال ۲۰۱۴

در حالیکه هر روز جهان بطرف بحران اقتصادی و اجتماعی به پیش می‌رود، تا چند باید افغانها دست دراز کنند و خود را وابسته به کمکهای اجنبیان سازند، گدائی در چنین یک شرایط حساس جهانی آیا میتواند نیازهای افغانها را برآورده سازد و این ملک را از این همه بدبختیهای که دامنگیر آن است به حالت خود کفا ارتقاء دهد که بتواند حداقل نیازمندی های ستراتیژیک خود را برآورده سازد و برای این وعده ها چه ضمانت اجرائی قابل اطمینان وجود خواهد داشت و تا کدام زمان ما به این کمکها تکیه نمایم در حالیکه خود صاحب امکانات وسیع هستیم.

در این جامقصود آن نیست که افغانستان به کمک های جامعه جهانی نیاز ندارد و ما از هر لحاظ به خود متکی هستیم و می توانیم همه مشکلات را به تنهایی حل و فصل کنیم، ولی چرا ما از امکانات که داریم و در اختیار ما قرار دارد استفاده نمیکنیم و این کشورها را تشویق به انجام کارهای بزرگتر که بتواند آینده را تضمین کند نسازیم تا در فکر آن باشیم که معاشات اردو ما را بعد از ۲۰۱۴ کی پرداخت کند، زمامدارن ماهر گز خود را در برابر آینده و طن مسؤول حس نمیکنند فقط در مورد خود و فامیل خود مینگردند و بس. در این جا لازم است تا به مشکلات که امروز کشورهای اروپائی به آن مواجه اند مختصراً بپردازیم و هم و وضعیت منطقه را بررسی کنیم و در آن آینده خود را ترسیم نمایم.

### کنفرانس بن:

در مورد چگونگی این کنفرانس مبصرین محترم زیاد نوشته و شرایط و پیشنهادهای هم ارائه نموده اند که من بحث روی آنرا تکراری و ضیاع وقت می دانم. آنچه که من میخواهم خدمت شما بنگارم این است که دوماً مسئله مطرح در این کنفرانس یکی مسئله تگدی افغانها است که ما به آن مواجه هستیم ولی هیچگاهی ما جامعه جهانی را مجبور به آن نکردیم که در استخراج ذخایر طبیعی و زراعتی ساختن کشور ما سرمایه گذاری نمایند و در این کار ما به اولویتهای جامعه توجه نداشته ایم، تا کشور بتواند ضرورت های اولیه را خود مرفوع دارد، و از حالت فقر و به سعود سطح زندگی به پیشبرود.

مسئله دوم که در این کنفرانس بررسی میشود بر نامه امنیتی در کشور خواهد بود این هر دو مسئله ارتباط مستقیم به وضعیت جهانی و منطقه دارد. **جالب این است که کنفرانس در یک کشمکش سازمان شانکهای و ناتو قرار گرفته است و این اثرگذاری را نه باید دست کم گرفت، اگر کشورهای خارجی در صورتیکه باز هم وعده کمک های به افغانستان نمایند این کمک ها منوط میشوند به شرایط خود این کشورها و منافع ایشان در آینده مبهم که بحران اقتصادی جهان را فرا گرفته و حتی خطر از هم پاشیدن اتحادیه اروپا را نمی توان از این دایره میراء دانست.** همه آگاهی دارند که در پارلمان انگلستان در ماه گذشته بخاطر داشتن روابط با اتحادیه اروپا ۱۱۱ نفر اعضای پارلمان رأی مخالف دادند در حالیکه این رقم در زمان «تونی بلیر» به ۲۷ رأی میرسید. بحران بزرگترین اقتصادی دیگر اروپا، ایتالیا است که غرق بحران اقتصادی شده، یونان، اسپانیه و پرتغال نیز در این جال درگیرند. پس برای حوزه اروپا اولویت نجات اتحادیه اروپا است تا کمک به افغانستان. اخیراً آقای بارک اوباما رئیس جمهوری آمریکا «از اروپا خواسته است تا هرچه زودتر بحران بدهی های کشورهای حوزه یورو را رفع کند چرا که این بحران ممکن است به اقتصاد متزلزل آمریکا صدمه وارد آورد».

همچنان «ژاک دلور» رئیس پیشین کمیسیون اروپا با روزنامه دیلی تلگراف بریتانیا گفت که «توجه کافی به ضعف اقتصادی بعضی از کشورهای عضو این اتحادیه مالی در اول نشده بود، و مشکلات امروز همه ناشی از اشتباهات انجام گرفته در زمان تغییر واحدهای پول ملی کشورهای اروپایی به یورو بوده است». همین امروز پنج دسمبر در حالیکه کنفرانس دوم بن جریان دارد، درپاریس خانم انگیلامرکل با آقای سرکوزی مصروف جلسه اند تا راه حل بخاطر رفع این بحران دریابند. در چنین یک حالت مبهم جهانی راهی که به کشور خود باید درپیش گیریم چه باید باشد، تا چه وقت باید منافع ملی را قربان مصلحت ها کرد تا چه وقت باید منافع ملی را قربان اختلافات لسانی و مذهبی و قومی کرد و چرا ما با انرژی بیشتر صادفانه کار نکنیم تا از این کمک ها چنان استفاده اعظمی نمایم که دیگر ضرورت به چنین کنفرانس ها نداشته باشیم و خود را از این وابستگیها رها سازیم. کمکهای که درده سال گذشته به افغانستان سرازیر شد به مراتب

بیشتر از آنچه بمصرف رسیده است میباشد، چون ما دستگاه فاسد داریم که هرگز نمیتوان از آن آینده را توقع داشت. تا این دستگاه اصلاح نشود و یک سیستم ایجاد نگردد و هم یک سیستم اقتصادی کارا بررسی و مورد استفاده قرار نگیرد بازار آزاد گفته هر آنچه هرکی خواست انجام دهد این ملک همچنان بدبخت خواهد بود. همین اکنون سیستم اقتصادی که در کشور آلمان مستقر است بازار آزاد نمی باشد بلکه سوسیال مارکیت است که آنرا توسط قوانین مشخص و روشن تحت کنترل گرفته اند.

#### وضعیت منطقه:

مدت سی سال است که افغانستان درگیر جنگ داخلی و مداخله کشورهای همسایه قرار دارد که اکنون آهسته آهسته این بحران دامن گیر خود این کشورها نیز گردیده است، عوامل دیگر بحران در این کشورها که اثرگذار است از یکطرف پرورش بنیاد گرائی و هم مناسبات خارجی ناشفاف با همسایه ها و جهان میباشد که وضعیت را در این منطقه دشوار ساخته، کشور ما که محاط در این کشورها است از آسیب وارد شدن بالای این کشورها بیشترین ضربه را می بردارد چون کشورهای ایران و پاکستان بخصوص دو کشوری استند که بیشترین تجارت و واردات ما که اقتصادی مصرفی داریم از طریق این دو کشور اکمال میگردد.

زاماداران ماکه تاهوز در مورد آینده در خواب غفلت اند هر نوع جرقه در این کشورها به تباهی افغانستان منجر خواهد شد بخصوص بیشترین صدمه را افشار و طبقات غریب و متوسط جامعه خواهند دید اگر زمامداران راهی بدیل قوی و بیرون رفت راسریع تدارک نبیند.

اگرچه اشتراک پاکستان در کنفرانس بن دوم بی تفاوت است چون پاکستان قبلاً در این مورد امتحان داده است و هیچگاهی هم در عمل خود صادق نبوده است ولی باز هم در چنین شرایطی که کنفرانس بن در مورد افغانستان در حال تدویر بود حمله طیارات هیلکوپترهای امریکا بالای پوسنه امنیتی پاکستان و کشته شدن ۲۴ سرباز پاکستانی ایا میتواند تصادفی باشد؟ ایابرای یک طیاره هیلکوپتر قابل تشخیص نیست که این یک پوسنه نظامی است یا یک قرارگاه طالبان یا تروریستان و ایا امکان آن وجود دارد که طالبان چنان علنی بالای کوه پوسنه داشته باشند؟ به نظر من که هیچ عقل آنرا قبول نمی کند پس این حمله تصادف نبوده است خوب اگر تصادف نبوده پس به چه منظور انجام شده است و ارتباط آن به مسئله افغانستان است یا خیر؟

وایا کسانیکه امرچنین حمله راداده اند مسئله کنفرانس دوم بن و اشتراک پاکستان را در نظر داشتند یاخیر؟

جواب به این سوالها کار ساده هم نیست آنها بدون اطلاعات دقیق و محرم کشفی، به هر صورت امید اواریم که این حمله با ارتباط عدم اشتراک پاکستان در این کنفرانس صورت نگرفت باشد ورنه افغانستان از صلح و کنفرانس بن دست خود بشوید و این هم مهم است که آقا کرزی نتوانست این دلبد و جگر خود را جهت اشتراک در کنفرانس بن متقاعد سازد این است محترم داشتن منافع ملی.

مسأله دوم که در منطقه به وقوع پیوسته سرنگون کردن طیاره بی پیلوت امریکا است که از طرف ایران بتاریخ ۴ دسمبر ۲۰۱۱ صورت گرفته قابل دقت و یادآوری است که این طیاره یکی از پیشرفته ترین طیاره جاسوسی بی پیلوت و رادارگریز نوع «RQ-۱۷۰» است که از طرف ایران با تکنالوژی الکترونیکی و کمپیوتری بانندک خساره فرود آورده شده است، و اکنون در اختیار نظامیان ایرانی قرار دارد، این یک ضربه بزرگ به امریکا است و نشاندهنده قدرت بزرگ نظامی ایران است ولی وزارت دفاع و خارجه امریکا به بی بی سی گفته اند که در این مورد ابراز نظر نمی کنند. به یقین که این عمل که نشان دهنده قدرت نظامی ایران است امریکارا متشنج میکند بدون آنها رابوط امریکا و اروپا در مورد مسئله اتمی با ایران متشنج است سرنگونی این طیاره آنرا تیره تر ساخت، به یقین که امریکا اقدامات بیشتر در مورد ایران را روی دست خواهد بگیرد، هر قدر این رابط تلخ تر شده برود بالای افغانستان اثرگذار است و اگر مسأله به جنگ کشانیده شود افغانستان بر علاوه سایر خسار از حمله نظامی یکی از راه تدارکاتی خود را از دست می دهد پس در چنین شرایط بحرانی جهانی و منطقه ئی کشور را باید چگونه از مشکلات عاجل و ضروری و حیاتی رها نید.

#### اقدامات ضروری و مبرم:

تجارب ده سال گذشته این رامیرساند که در مدت این ده سال هیچ نوع سنگ تهداب که بتواند درخشان را رقم زند گذاشته نشده است بسیاری آنهائیکه در رأس قدرت تکیه زده اند خود از مفسدین هستند که باعث همه بدبختی ها در کشور شده اند با ساخت و ساز اسناد جعلی ملیاردها دلار از بانک ها به غارت بردند ملکیت های دولتی را چور کرده اند و مرتکب ده هابدبختی دیگر شده اند که از طرف همین زمامداران بر حال حمایه میشوند، نه سپردن کار به اهل کار مشکل دیگر است که این ملت با آن روبرو است همین دوروز قبل در جلسه شورای ملی یک تعداد وزارت خانه ها و موسسات که نتوانسته

اند حتی بودجه اصلی خود را به مصرف برسانند انتقاد شد، که نشاندهنده بی کفایتی اهل کار که در رأس کار تکیه زده اند میباشد ولی تاحال در این مورد هیچ نوع بازخواست قاطع که بتواند بالای بهتر شدن سیستم اداری تأثیرگذار باشد صورت نگرفته است در چنین شرایطی که جامعه جهانی در افغانستان حضور دارد کار به اهل کار سپرده نمی شود اگر فردا جامعه جهانی افغانستان را ترک کند چه کسی از این افراد بازخواست خواهد کرد، آنوقت طبعاً هرکی زور داشت حاکم منطقه خود خواهد بود و سیستم ملوک الطوائفی رویکار خواهد شد، در این هم جای شک نیست که یک عده افراد از طرف کشورهای مقیم به شکل از اشکال حمایت میشود و در کرسی های هم تکیه زده اند، ولی این کار نمی تواند بهانه باشد برای اصلاح سیستم، و باید دست بالای دست نشست. اصلاح ساختن سیستم یکی از فکتورهای اساسی است که در پیشرفت و امنیت در جامعه نقش دارد. هرچند در این مورد از طرف مبصرین و تحلیلگران بارها در کنفرانسهای تلویزیونی صحبت شده و هم مقالاتی به نشر رسیده ولی از طرف آقای کرزی گوش خاریده نشده است.

در این جای شک نیست که کشور از سال ۲۰۰۲ تا بحال به پیشرفتهای نائل آمده است ولی این پیشرفت ها نمیتواند نوید دهنده آینده درخشان باشند چون برای ایجاد کار اساسی، سیستم تهداب گذاری نشده است که طبق پلان باید به آن قدم گذاشت، و راه خود را بطرف یک اقتصاد شگوفان باز کرد. باید با صراحت گفت که کشور ما فاقد یک سیستم اداری، اقتصادی، نظامی، سیاسی و حقوقی است. آقای کرزی گفت که «کشورش آنچه را که میخواست بدست آورد و جامعه جهانی باید یک دهه دیگر افغانستان را کمک کند». اگر دهه دیگر هم کمک کنند تا سیستم اصلاح و سیستم کارا بوجود نیاید و پلان گذاری دقیق صورت نگیرد و از اكمال آن باز خواست جدی نشود، این کمکها جای را نخواهند گرفت. در این جا صرف مسأله اقتصادی را مثال میدهم و بحث را به درازا نمی کشیم.

ما برق از کشورهای ترکمنستان و ازبکستان وارد میکنیم و همه شاهد اند که همین امسال از طرف ازبکستان برق قطع گردیده بود و سرو صداها و مشکلات را به بار آورد. البته که وارد کردن برق در شرایط فعلی کار ضروری پنداشته میشود ولی حیاتی و اساسی نیست بلکه میتوان آنرا اساس به انجام کار بزرگتر ساخت، ولی موازی به آن باید پروژه های بزرگ برق در کشور به راه انداخته میشد. مسوولین تاهنوز نتوانسته اند برق بند سلما را مورد بهره برداری قرار دهند! چون بابکار انداختن این پروژه مقدار آب به کشور ایران کم میشود، بناءً از طرف عمال فروخته شده این کشور به شکل از اشکال در راه اكمال بین سلما سنگ اندازی میشود. حتی چندین بار تصمیم به تخریب کامل این بند گرفته شده، ولی از طرف آقای کرزی قاطعاً در درمورد تکمیل این پروژه اقدامی صورت نگرفته تا مسوولین مورد بازخواست قرار گیرند.

مسأله دیگر که در اقتصاد کشور و سطح زندگی مردم تأثیر بارزی دارد عبارت از آماده کردن معادن کشور به بهره برداری و تشویق سرمایه گذاری است، که از جمله ارزش ستر انرژیک ذخایر گاز در الویت قرار میگیرد و به صورت عاجل در زندگی مردم تحول را بیارمی آورد، سطح زندگی بهبود حاصل میکند بسیاری از اقلام ضروری تقلیل می یابد و محیط زیست پاکتر و صفاتر می ماند. مهمتر از همه اینکه از قطع جنگلات جلوگیری بعمل می آید، در کشور ما یکی از مهمترین معدن قابل استخراج گاز طبیعی موجود است و مهمترین ذخیره انرژیک کشور بشمار میرود. بخش اعظم گاز طبیعی در سرحدات شمالی افغانستان در مزار شریف، اطراف شبرغان و سرپل قرار دارند. یک پایپ لاین آن تا مزار شریف رسیده است ولی توسعه داده نمیشود، ذخایر گاز طبیعی افغانستان را تا حدود «۵۰» میلیارد متر مکعب برآورد کرده اند که امکان بیشتر از این رقم نیز وجود دارد ولی ما باز هم گاز از به قیمت بلندتر از همسایه خریداری میکنیم.

در حالیکه کشور ما از نظر گاز طبیعی غنی می باشد باز هم گاز از کشورهای همسایه وارد می گردد و هر روز مشکل مردم بیشتر شده و قدرت لازم خرید را ندارند. همچنان این مسأله بالای سایر عرصه های زندگی مردم اثر منفی گذاشته است، در حالیکه در سمت شمال هیچ گونه بهانه به خاطر استخراج این گاز از نظر امنیتی وجود ندارد. یکی از عمده ترین مشکل که بعد از ۲۰۱۴ زندگی مردم را تهدید میکند همانا مسأله محروقاتی و زراعت است، که نداشتن و اعمار بندها و مهار کردن آب های کشور برای زراعت و تولید برق در آن رول اساسی را بازی میکند چه بدون برق کسی نمیتواند فابریکه و کارخانه حتی فارم زراعتی ایجاد کرد.

نظریه بحران انرژی و هم بحران اقتصادی که در جهان وجود دارد بهائی گاز، نفت و برق هیچ گاهی ثابت نخواهند ماند و مردم کشور قدرت خرید و دولت قدرت سببایدی آنرا نخواهد داشت. پس باید از خواب غفلت برخاست و سیستم را اصلاح کرد و تهداب گذاشت که هر قدم ما را به پیشروی در صنعت، زراعت و رشد اقتصادی رهنمائی کرده ارتقاء دهد.

پایان